
فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج شناسی

گلناز مدرسی قوامی
(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)



سرشناسه	مدرسی قوامی، گلناز
عنوان و نام پدیدآور	فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج شناسی / نویسنده گلناز مدرسی قوامی
مشخصات نشر	تهران: نشر علمی، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	ص. ۳۴۶.
شابک	۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۲۹۸-۰۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبا
موضوع	آواشناسی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها
موضوع	دستور زبان تطبیقی -- واج شناسی -- اصطلاح‌ها و تعبیرها
رده بندی کنگره	۱۳۹۴: ۴۰۴/م۲۲۱
رده بندی دیویی	۴۱۴
شماره کتابشناسی ملی	۳۹۰۲۶۴۶



خیابان انقلاب - مقابل دانشگاه تهران شماره ۱۲۲۴

تلفن: ۶۶۴۶۰۶۶۷ فکس: ۶۶۴۹۶۶۱۱

فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج شناسی

گلناز مدرسی قوامی

(عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبائی)

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۷۰۰ نسخه

لیتوگرافی: کوثر

چاپ: رامین

صحافی: علی

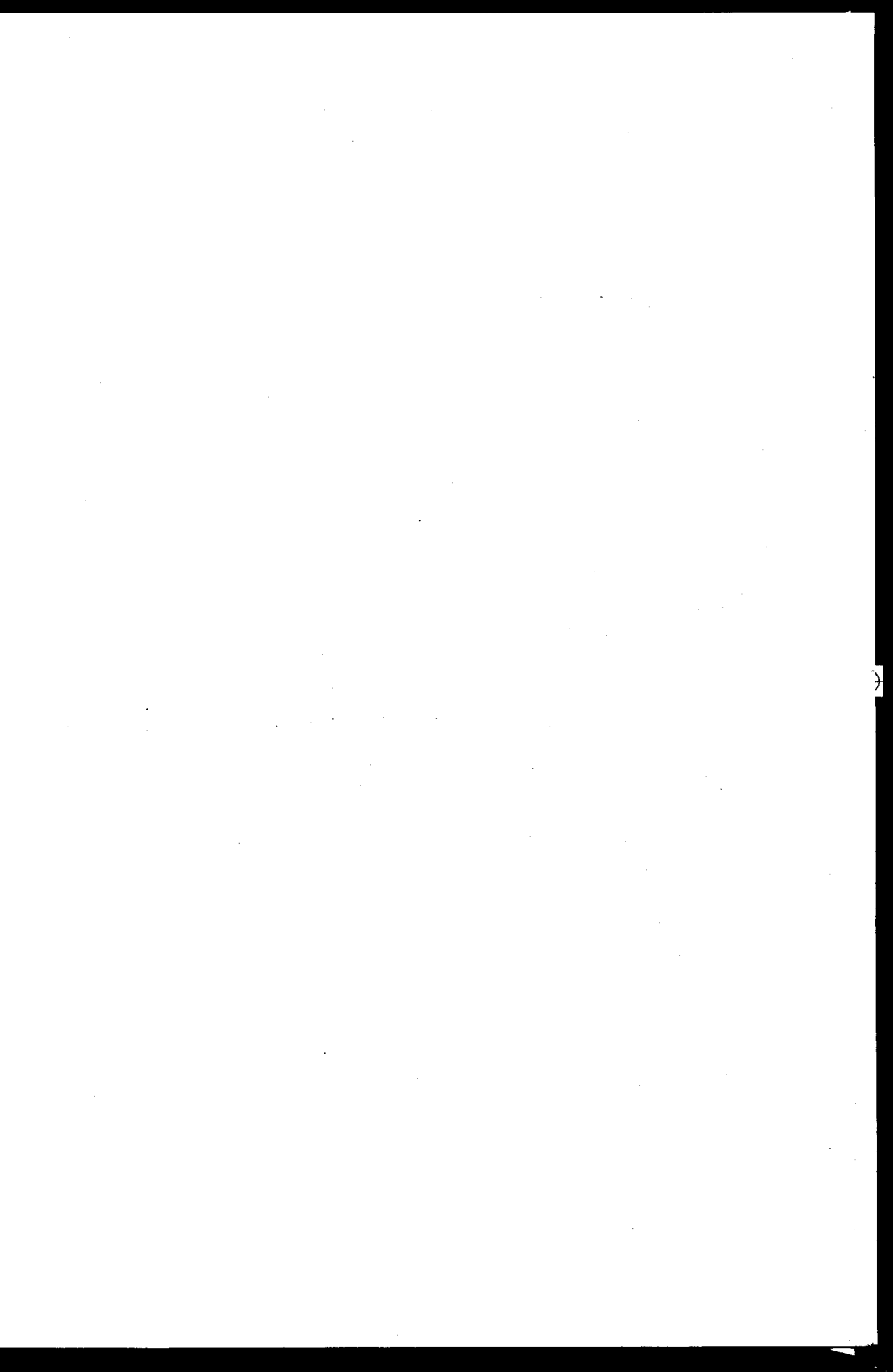
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۴۰۴-۲۹۸-۰۰

مرکز پخش: انقلاب- خیابان ۱۲ فروردین- شهدای ژاندارمری- پلاک ۱۰۳

تلفن تماس جهت دریافت کتاب در منزل یا محل کار: ۱۲ و ۵۱۱-۶۶۴۶۰۷۲-۶۶۴۶۳۰۷۲

یادداشت ناشر

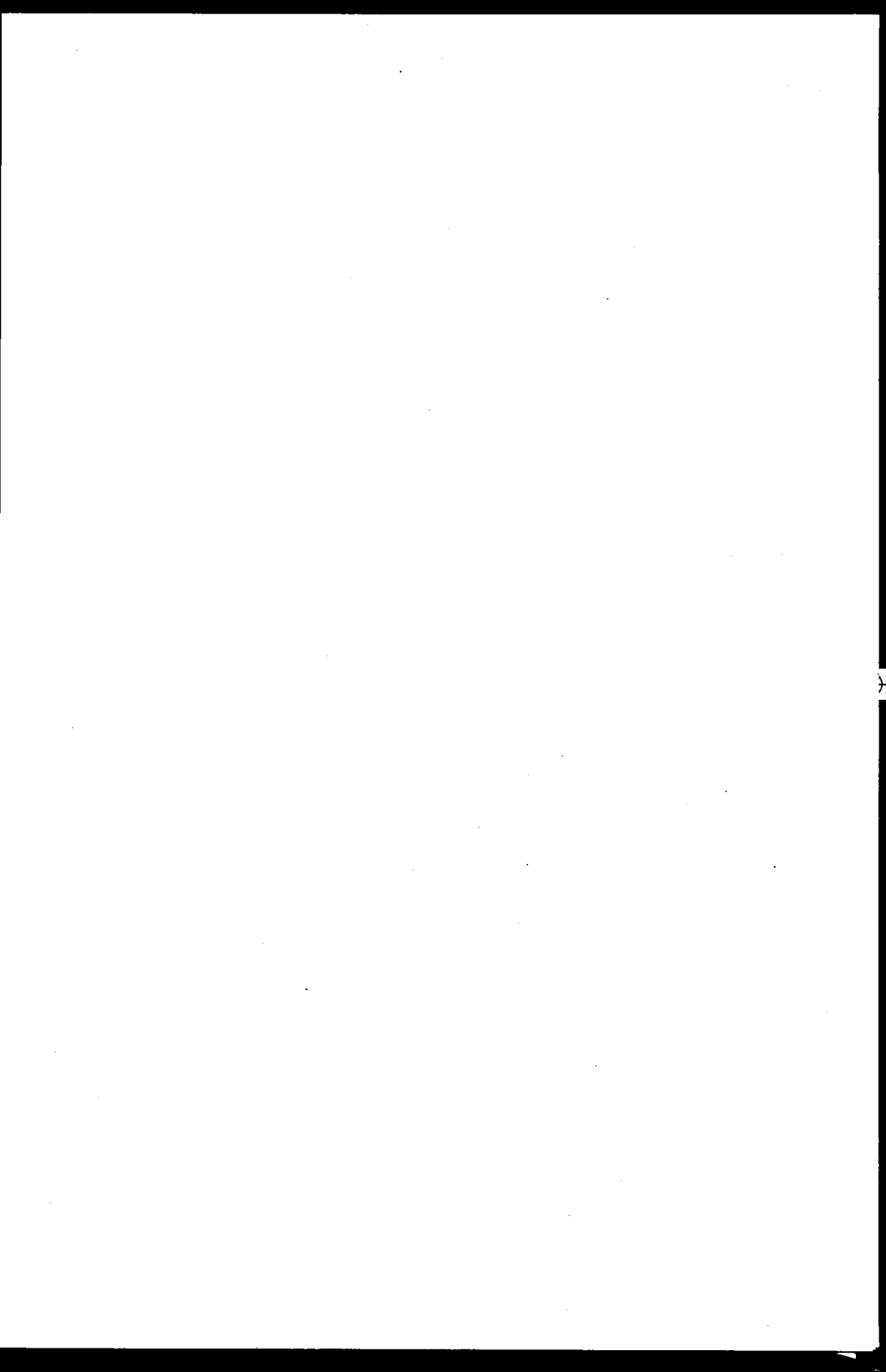
بومی سازی هر دانشی، زمانی تحقق می یابد که واژگان فنی آن علم به صراحت توصیف شده باشند و از هیئتی برخوردار شوند که بتوان به گونه ای یکدست و هماهنگ به کارشان برد. در کنار دو مجموعه ی «کهن نامه های زبان شناسی» و «نگین های زبان شناسی»، سعی بر این بوده است تا با مجموعه ی تازه ای به نام «فرهنگ نامه های زبان شناسی» به این هدف دیرینه، یعنی همانا دستیابی به آرمان تمامی زبان شناسان ایران که چیزی جز «زبان شناسی در خدمت زبان های ایران» نبوده و نیست، تحقق ببخشیم.



پیشگفتار

مجموعه حاضر فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی است. تدوین این فرهنگ را استاد گرانقدرم جناب آقای دکتر صفوی پیشنهاد کردند. از همان ابتدا مشخص بود که تعداد اصطلاحات در این جلد از مجموعه فرهنگ‌های توصیفی به علت قدمت نسبی آواشناسی و تعدد موضوعات در حوزه واج‌شناسی قابل توجه خواهد بود. از آنجا که این دو حوزه مطالعاتی با هم پیوندی ناگسستنی دارند، امکان تدوین دو فرهنگ مجزای آواشناسی و واج‌شناسی نیز وجود نداشت. در نتیجه در این مجموعه بالغ بر ۱۱۵۰ اصطلاح متداول در این دو حوزه گردآوری شد. در آواشناسی محض واژه‌های پایه در هر سه شاخه آواشناسی تولیدی، آواشناسی آکوستیک (صوت‌شناسی) و آواشناسی شنیداری مدخل و توصیف شده‌اند. در حوزه آواشناسی ادراکی نیز که بخش قابل توجهی از مباحث ادراک گفتار در روان‌شناسی زبان را به خود اختصاص می‌دهد تعدادی از اصطلاحات پایه انتخاب و توصیف شده‌اند. در حوزه واج‌شناسی، اصطلاحات متداول و پایه در رویکردها و نظریه‌های مختلف واج‌شناسی همانند مکتب واج‌شناسی پراگ، واج‌شناسی زایشی معیار، واج‌شناسی طبیعی، واج‌شناسی خودواحد، واج‌شناسی وزنی، واج‌شناسی خودواحد وزنی، واج‌شناسی واژگانی، نظریه بهینگی و غیره آورده شده‌اند. از آوردن بسیاری از اصطلاحات خاص و تخصصی به دلیل افزایش حجم فرهنگ خودداری شده است. مدخل‌های این فرهنگ اصطلاحاتی هستند که در منابع غربی در دو حوزه آواشناسی و واج‌شناسی به کار رفته‌اند. سعی شده است تا حد ممکن برای هر اصطلاح از زبان فارسی یا دیگر زبان‌ها و گویش‌های ایرانی مثال آورده شود تا فهم مطلب برای خواننده ایرانی آسانتر شود.

از جناب آقای محمدعلی علمی که تأخیر بسیار طولانی بنده را در اتمام کار با نهایت بزرگواری تحمل و امکان انتشار این مجموعه را فراهم کردند تشکر می‌کنم. از استاد دانشمندم جناب آقای دکتر صفوی به خاطر پیشنهاد این فرهنگ تا همیشه سپاسگزارم. صفحه‌آرایی این فرهنگ را برادر عزیزم برعهده گرفت که از او نیز به طور ویژه تشکر می‌کنم و این اثر را تقدیم می‌کنم به مادر عزیزم.



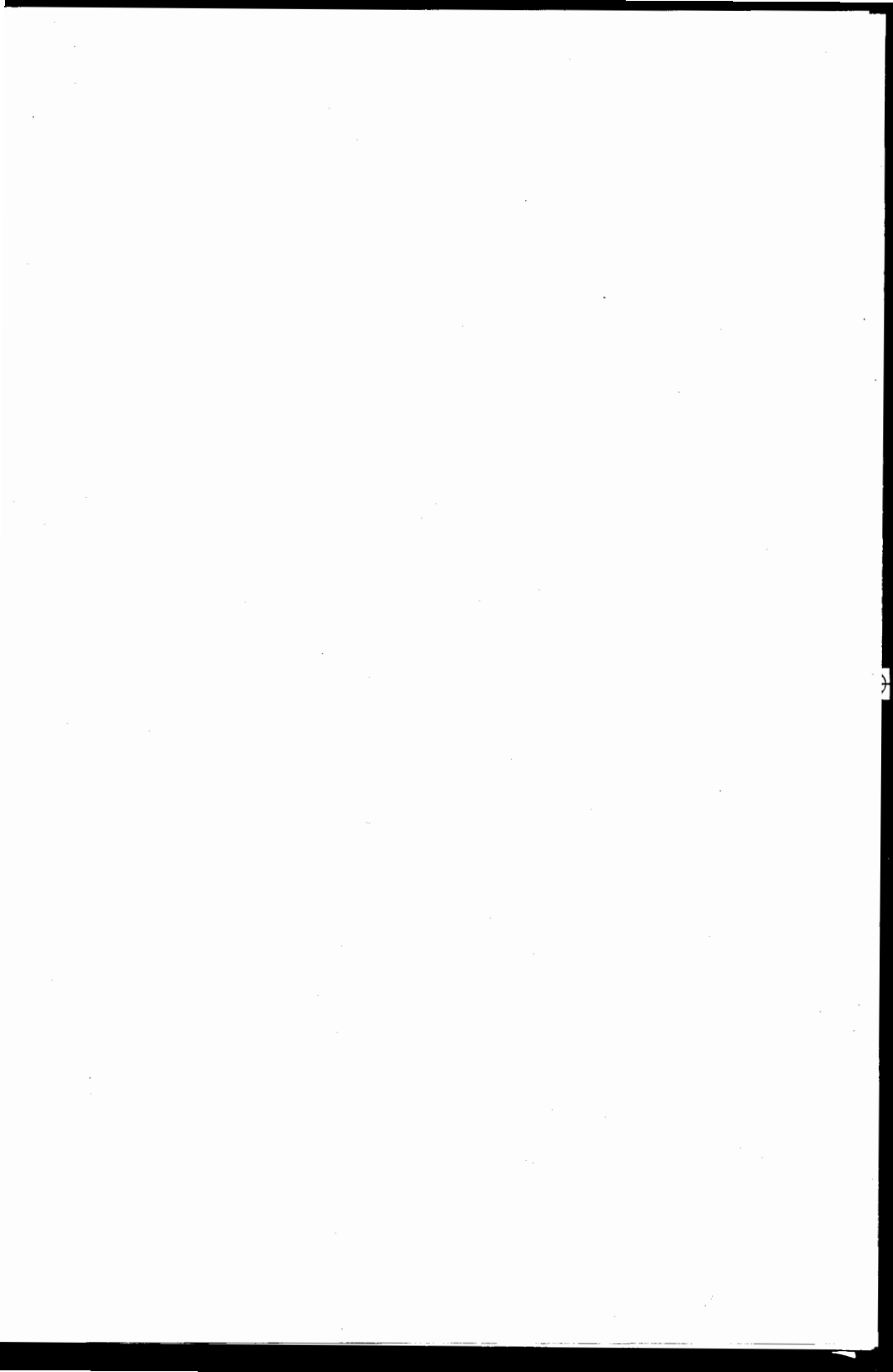
راهنمای استفاده از فرهنگ

مدخل‌های فرهنگ توصیفی آواشناسی و واج‌شناسی زبان فارسی به ترتیب الفبای فارسی تنظیم شده‌اند. برای سهولت استفاده از فرهنگ، یک واژه‌نامه انگلیسی به فارسی نیز در انتهای کار آمده است تا اگر خواننده‌ای معادل و توصیف یک اصطلاح در انگلیسی را مدنظر داشت، معادل پیشنهادی آن را در این واژه‌نامه بیابد و به مدخل فارسی آن در متن اصلی فرهنگ رجوع کند.

هر جا برای یک مدخل در زبان انگلیسی دو یا سه معادل در زبان فارسی پیشنهاد شده بود، معادل متداول‌تر به عنوان مدخل اصلی و دیگر معادل‌ها در کنار آن در پرانتز آمده است. هر جا یک مفهوم واحد در زبان انگلیسی دارای دو مدخل جداگانه و دو معادل در زبان فارسی بود هر دو مدخل در فرهنگ آمده‌اند، ولی تنها یکی از مدخل‌ها توصیف شده است.

در صورتی که برای فهم یک اصطلاح لازم باشد به اصطلاح مرتبطی مراجعه شود، آن اصطلاح مرتبط با پیکان مشخص شده است. در هر مدخل تعدادی اصطلاح با قلم توپر مشخص شده‌اند تا نشان داده شود که آن اصطلاحات نیز در فرهنگ مدخل شده‌اند. در این فرهنگ از نشانه‌های الفبای آوایی بین‌المللی برای آوانویسی و واج‌نویسی مثال‌ها استفاده شده است. نسخه‌ای از این نشانه‌ها در انتهای فرهنگ آمده است.

برای گردآوری اصطلاحات این اثر از منابع متعدد آواشناسی و واج‌شناسی بهره گرفته شده است، اما عمده توصیف‌ها تلفیقی از توصیف‌های موجود در فرهنگ توصیفی واج‌شناسی، آواشناسی و زبان‌شناسی است که فهرست آنها در کتاب‌نامه آمده است.



minimal pair test

آزمون جفت کمینه

به کارگیری جفت کمینه یا مجموعه کمینه جهت شناسایی واج های یک زبان. برای مثال، به کارگیری مجموعه کمینه ای مانند "بار، تار، دار، کار، سار، زار، مار، نار، لار، هار و یار" آزمونی است که نشان می دهد همخوان های آغازین این واژه ها یعنی /b,t,d,c,s,z,m,n,l,h,j/ در زبان فارسی نقش واجی دارند.

threshold of hearing (TOH)

آستانه شنوایی

ضعیف ترین صوتی که گوش انسان قادر به شنیدن آن است. این صوت صدایی است که مولکول های هوا را به میزان یک بیلونیم سانتیمتر به حرکت در می آورد. از آنجا که گوش انسان می تواند صداهایی را که از شدت های گوناگونی برخوردارند بشنود، فیزیكدانان معمولاً برای اندازه گیری شدت از مقیاس لگاریتمی سطح فشار صوت که توان آن ۱۰ است استفاده می کنند. مقیاس اندازه گیری شدت دسی بل است. در این مقیاس، به آستانه شنوایی سطح صوتی صفر دسی بل اختصاص داده شده است. صوتی که شدت آن ده برابر آستانه شنوایی باشد، در سطح صوتی ۱۰ دسی بل قرار دارد. سطح صوتی صدایی که شدت آن ۱۰۰ برابر باشد، ۲۰ دسی بل است. جدول زیر برخی از

صداهای متداول را به همراه شدت و سطح صوتی آنها در مقیاس دسی‌بل نشان می‌دهد.

صوت	شدت (دسی‌بل)	# بیشتر از آستانه شنوایی
آستانه شنوایی	۰	۱۰'
حرکت برگ درختان	۱۰	۱۰'
نجوا	۲۰	۱۰ ^۲
مکالمه عادی	۶۰	۱۰ ^۶
ترافیک یک خیابان شلوغ	۷۰	۱۰ ^۷
جاروبرقی	۸۰	۱۰ ^۸
ارکستر بزرگ	۹۸	۱۰ ^{۹۸}
آستانه درد	۱۳۰	۱۰ ^{۱۳}
برخاستن جت جنگی	۱۴۰	۱۰ ^{۱۴}
پاره شدن آبی پرده گوش	۱۶۰	۱۰ ^{۱۶}

onset

آغاز

اصطلاحی در آواشناسی تولیدی برای اشاره به مرحله آغازین تولید یک آوا که در آن اندام فعال به بالاترین درجه گرفتگی در تولید آن آوا می‌رسد. این اصطلاح در آواشناسی آکوستیک برای اشاره به همبسته صوت‌شناختی این مرحله به کار می‌رود. آغاز در مقابل پایان قرار می‌گیرد.

word-initial

آغاز واژه

آوایی که در ابتدای واژه ظاهر می‌شود، مانند [s] که در واژه "سیب" [sib] همخوان آغاز واژه است.

initiator

آغازگر

بخشی از مجرای گفتار که منشاء حرکت هواست، بدین معنا که حرکت آن باعث تغییر فشار هوا و در نتیجه بیرون رفتن هوا از مجرای گفتار یا وارد شدن هوا به مجرای گفتار می‌شود. در سازوکار جریان هوای ششی، شش‌ها، در سازوکار جریان هوای چاکنایی، حنجره و در سازوکار جریان هوای نرمکامی، زبان آغازگر است. (← آغازگری)

initiation

آغازگری

یکی از دو مرحله تولید آواها که عبارت است از حرکت بخشی از مجرای گفتار برای به حرکت درآوردن هوا. جهت این حرکت می‌تواند در هوای مجرای گفتار فشار مثبت یا منفی ایجاد کند که در نتیجه آن هوا از مجرای گفتار بیرون می‌رود (جریان هوای برون‌سو) یا وارد مجرای گفتار می‌شود (جریان هوای درون‌سو). (← آغازگر؛ فراگویی)

onset

آغاز (۱)

همخوان یا همخوان‌هایی که در هجا پیش از هسته (۱ الف) قرار می‌گیرند، مانند /d/ در واژه یک‌هجایی "دست" /dast/ در فارسی آغاز حداکثر از یک همخوان تشکیل می‌شود و حضور آغاز اجباری است.

ONSET

آغاز (۲)

یکی از محدودیت‌های نشاننداری در نظریه بهینگی که طبق آن همه هجاها باید آغاز داشته باشند. بر این اساس، هجای دارای آغاز در مقایسه با هجای فاقد آغاز بی‌نشان تلقی می‌شود.

complex onset

آغاز پیچیده

آغازهای که از بیش از یک همخوان تشکیل شده باشد، مانند /xʃap/ "شب" در فارسی باستان که آغاز آن دو همخوان دارد. در فارسی معاصر، آغاز تنها از یک همخوان تشکیل می‌شود. بر همین اساس هنگامی که واژه‌ای مانند [plas.tɪk] plastic با دو همخوان در جایگاه آغاز هجای اول در زبان انگلیسی وارد زبان فارسی می‌شود، این خوشه با درج [e] بین دو همخوان می‌شکند و واژه به صورت [pe.las.tɪk] به تلفظ در می‌آید. آغاز پیچیده که آغاز چندشاخه نیز نامیده می‌شود، در مقابل آغاز ساده

قرار می‌گیرد.

* COMPLEX^{ONS}

آغازۀ پیچیده ممنوع

یکی از محدودیت‌های نشاننداری در نظریۀ بهینگی که به موجب آن جایگاه آغازۀ نباید با بیش از یک همخوان پر شود. برای مثال، هجای spoon /spun/ در انگلیسی این محدودیت را نقض می‌کند. این محدودیت در فارسی نقض نمی‌شود. (← پیچیده ممنوع)

empty onset

آغازۀ تهی

جایگاه آغازۀ‌ای که با همخوان پر نشده باشد، مانند "آب" /ab/ که جایگاه آغازۀ آن تهی است. آغازۀ تهی در بازه‌جانبندی نقش مهمی دارد. برای مثال هنگامی که پسوند /-an/ به "لرز" /larz/ افزوده شود تا "لرزّان" /larzan/ را بسازد، همخوان پایانی "لرزّ" بازه‌جانبندی می‌شود و جایگاه آغازۀ تهی پسوند را پر می‌کند و صورت [lar.zan] را به دست می‌دهد.

branching onset

آغازۀ چندشاخه

آغازۀ پیچیده. در بازنمایی ساخت هجا به وسیلۀ نمودار درختی، آغازۀ پیچیده به صورت یک گره چندشاخه نمایش داده می‌شود، مانند /xʃap/ "شب" در فارسی باستان که گره آغازۀ آن دارای دو شاخه است.

simple onset

آغازۀ ساده

آغازۀ‌ای که از یک همخوان تشکیل شده باشد، مانند "تاب" /tab/ که آغازۀ آن یک همخوان دارد. آغازۀ ساده در مقابل آغازۀ پیچیده قرار می‌گیرد.

initial

آغازین

عنصری که در ابتدای یک واحد زبانی ظاهر شود. برای مثال، می‌توان گفت که هجای آغازین واژه "می‌روم" [mi.ra.vam] تکیه‌بر است. همچنین آوای آغازین واژه "باد" [b] است. این اصطلاح در مقابل میانی و پایانی قرار می‌گیرد.

fusion

آمیختگی

فرآیندی که طی آن دو واحد مجزا به گونه‌ای با یکدیگر در هم می‌آمیزند که نمی‌توان

آنها را از یکدیگر تفکیک کرد. مانند آمیختگی دو آوای /n/ و /dʒ/ در تلفظ محاوره‌ای واژه "پنجشنبه" /pandʒʃambe/ به صورت [pənʃambe] که در آن [n] به عنوان یک همخوان خیشومی و کامی ویژگی‌های /n/ و /dʒ/ را با هم دارد و به عبارت دیگر دو آوا با هم آمیخته شده‌اند.

phone

آوا

(۱) در آواشناسی کوچکترین واحد زنجیری است که می‌توان آن را به لحاظ ادراکی و شنیداری از دیگر واحدها در جریان پیوسته گفتار تشخیص داد. برای مثال، می‌توان در تولید واژه "پست" چهار آوای [p]، [o]، [s] و [t] را شنید.

(۲) در واج‌شناسی عبارت است از تحقق فیزیکی یک واج. برای مثال، آوای [o] تحقق فیزیکی واج /o/ است. گونه آوایی یک واج را واج‌گونه آن می‌نامند.

phonetic

آواشناختی

مربوط به علم آواشناسی.

phonetician

آواشناس

پژوهشگر علم آواشناسی.

phonetics

آواشناسی

علم بررسی آواهای زبان‌های بشری که شیوه‌های توصیف، طبقه‌بندی و نگارش آواها را دربردارد. این علم خود به سه زیرشاخه اصلی آواشناسی تولیدی، آواشناسی آکوستیک و آواشناسی شنیداری تقسیم می‌شود. در آواشناسی عمومی، بررسی آواهای زبان خاصی مدنظر نیست و ویژگی‌های تولیدی، آکوستیکی و شنیداری گفتار به طور عام مطالعه می‌شود. گاه نیز در مطالعات آواشناختی ویژگی‌های آوایی یک زبان خاص موردنظر است. در این صورت آواشناسی در ارتباط تنگاتنگ با نظام آوایی آن زبان خاص یا واج‌شناسی آن است.

acoustic phonetics (صوت‌شناسی، آواشناسی فیزیکی)

شاخه‌ای از آواشناسی که به بررسی ویژگی‌های فیزیکی آواها می‌پردازد و بدین منظور از مفاهیم فیزیک صوت بهره می‌گیرد. در آواشناسی آکوستیک مشاهدات آواشناسی تولیدی و آواشناسی شنیداری به کمک ابزارهای الکترونیک و نرم‌افزارهای رایانه‌ای

ارزیابی می‌شود. از این شاخه از آواشناسی در واج‌شناسی آزمایشگاهی نیز بهره گرفته می‌شود.

آواشناسی ابزاری

instrumental phonetics

بررسی ویژگی‌های تولیدی، فیزیکی و شنیداری آواهای زبانی با استفاده از ابزارهایی مانند کام‌نگار، نرم‌افزارهای تحلیل صوت و نظایر آن.

آواشناسی اجتماعی

sociophonetics

شاخه‌ای از جامعه‌شناسی زبان که به بررسی ویژگی‌های تلفظی گونه‌های اجتماعی می‌پردازد. این حوزه مطالعاتی را گاه واج‌شناسی اجتماعی نیز می‌نامند.

آواشناسی ایستا

static phonetics

رویکرد غالب در آواشناسی که در آن آواها در زنجیره گفتار به عنوان عناصر مستقل و مجزا از یکدیگر بررسی می‌شوند. آواشناسی ایستا در برابر آواشناسی پویا یا آواشناسی شاخصه‌ای قرار می‌گیرد.

آواشناسی پویا

dynamic phonetics

= آواشناسی شاخصه‌ای

آواشناسی تجربی

experimental phonetics

رویکردی در آواشناسی که در آن از شیوه‌های رایج در دیگر شاخه‌های علم مانند فیزیک، فیزیولوژی (کاراندام‌شناسی) و روان‌شناسی برای اندازه‌گیری ویژگی‌های فیزیکی، فیزیولوژیکی و ادراکی آواها استفاده می‌شود. هدف اصلی محققان در آواشناسی تجربی به دست دادن توصیف دقیق‌تری از آواهای زبان‌های متفاوت و کشف فرایندهای عصبشناختی و ذهنی در تولید گفتار است.

آواشناسی تولیدی

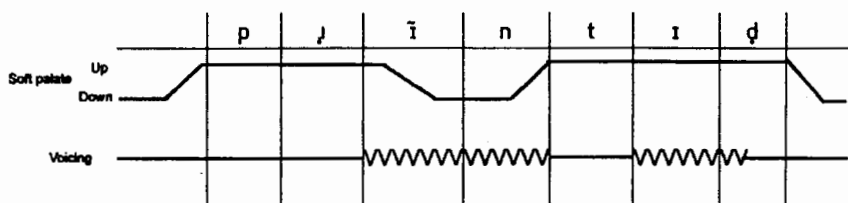
articulatory phonetics

شاخه‌ای از آواشناسی که به بررسی نحوه تولید آواها در مجرای گفتار می‌پردازد. بسیاری از اصطلاحات توصیفی آواشناسی تولیدی که گاه آواشناسی کاراندام‌شناختی نیز نامیده می‌شود از کالبدشناسی و فیزیولوژی (کاراندام‌شناسی) گرفته شده است. این شاخه از آواشناسی به دلیل قابل مشاهده بودن اندام‌های گفتار و نحوه حرکت آنها سابقه

دیرینه‌ای دارد. طبقه‌بندی آواها در الفبای آوایی بین‌المللی نیز با توجه به متغیرهای تولیدی صورت گرفته است. امروزه، پیشرفت‌های قابل توجهی در زمینه شیوه‌های ابزاری برای مشاهده اندام‌های گفتار و نقش آنها در تولید آواها صورت گرفته است که از جمله آنها می‌توان به الکتروکام‌نگاری و الکتروماهیچه‌نگاری اشاره کرد.

forensic phonetics (قضایی، حقوقی)
شاخه‌ای از آواشناسی که در آن از تخصص آواشناسی در مسائل قانونی و حقوقی استفاده می‌شود، مانند شناسایی افراد بر اساس نمونه‌های صوتی آنان و تأیید اصالت نمونه‌های صوتی.

parametric phonetics آواشناسی شاخصه‌ای
رویکردی در آواشناسی که گفتار را نظامی واحد و به هم پیوسته می‌بیند. این رویکرد در برابر رویکرد سستی در آواشناسی (آواشناسی ایستا) قرار می‌گیرد که در آن زنجیره گفتار از آواهای مستقل و مجزا از یکدیگر تشکیل شده‌اند. در رویکرد شاخصه‌ای که آواشناسی پویا نیز نامیده می‌شود، متغیرهای تولیدی یا شاخصه‌هایی مانند سازوکار جریان هوا، واک، شیوه تولید، جایگاه تولید و نظایر آن به صورت پیوسته در جریان هستند و در بعد زمان با هم تعامل دارند تا زنجیرهای از آواهایی را تولید کنند که شنوندگان زبان بر اساس قواعد زبان خود به عناصر زنجیری گفتار تقطیع می‌کنند. در آواشناسی شاخصه‌ای از نمودارهای خاصی مانند نمودار زیر برای نشان دادن فعالیت پیوسته اندام‌های تولید در زنجیره گفتار استفاده می‌شود.



auditory phonetics آواشناسی شنیداری
شاخه‌ای از آواشناسی که به بررسی نحوه دریافت و پردازش آواها به وسیله گوش و نظام شنیداری می‌پردازد. این شاخه از آواشناسی با ادراک شنیداری در حوزه روان‌شناسی

زبان نیز ارتباط تنگاتنگ دارد.

general phonetics

آواشناسی عمومی

← آواشناسی

physiological phonetics

آواشناسی کاراندام‌شناختی

= آواشناسی تولیدی

tonetics

آواشناسی نواخت

= نواخت‌شناسی

phonetic transcription

آوانویسی (آوانگاری)

نگارش آواهای زبانی با در نظر گرفتن ویژگی‌های تولیدی و شنیداری آنها و بدون در نظر گرفتن نقش آنها در زبان. در آوانویسی، آوانگاشت درون قلاب [] قرار می‌گیرد، مانند آوانویسی واژه "دوست" [d^wust] که در آن لبی‌شدگی [d] با نشانه زیرویری [ʷ] مشخص شده است. لبی‌شدگی در فارسی نقش متمیز معنا ندارد و خصوصیتی است که یک همخوان پیش از یک واکه مانند [u] و [o] که با لب‌های گرد تولید می‌شوند به‌دست می‌آورد. می‌توان آوانویسی را با جزئیات بیشتر انجام داد به طوری که آوانگاشت کلیه ویژگی‌های تولیدی/شنیداری آواها را در بافت خاص نمایش دهد، مانند آوانویسی واژه "ترد" [t^hord^ɹ]. این گونه آوانویسی را آوانویسی تفصیلی می‌نامند. در صورتی که آوانویسی با جزئیات کمتری صورت گیرد به آن آوانویسی کلی می‌گویند. آوانویسی کلی گاه با واج‌نویسی برابر در نظر گرفته می‌شود، زیرا در آنها تنها واحدهای متمیز معنا یعنی واج‌ها به نمایش در می‌آیند. اما باید به این نکته توجه کرد که در آوانویسی کلی واژه‌ای مانند "ترد" به صورت [tord] آواهای زبانی به عنوان واحدهای عینی و ملموس زبان و در واج‌نویسی همان واژه به صورت /tord/ واج‌ها به عنوان واحدهای ذهنی و انتزاعی زبان موردنظر هستند.

narrow transcription

آوانویسی تفصیلی

← آوانویسی

broad transcription

آوانویسی کلی
← آوانویسی

phonetic

آوایی

(۱) مربوط به آواهای زبانی.
(۲) ویژگی خطی که در آن بین نویسه و آوا رابطه یک به یک وجود دارد. (← الفبای آوایی بین‌المللی)

intonation

آهنگ

تغییرات زیروبمی در یک پاره‌گفتار. آهنگ نقش‌های متعددی در زبان ایفا می‌کند. از جمله این نقش‌ها می‌توان به متمایز کردن انواع جملات (خبری، پرسشی و نظایر آنها) از یکدیگر، مشخص کردن مرز واحدهای دستوری (مرز گروه‌ها، بندها و جملات)، برجسته کردن یک عنصر در پاره‌گفتار و منعکس کردن نگرش و احساس گوینده نسبت به موضوع مورد گفتگو (تعجب، کنایه و نظایر آن) اشاره کرد. الگوهای آهنگ علاوه بر تغییرات زیروبمی می‌توانند با تغییر در بلندی صوت، سرعت گفتار و مکث نیز همراه باشند.

iamb

آیمب

نوعی پایه (۲) که از یک هجای بی‌تکیه و یک هجای تکیه‌بر تشکیل شده است، مانند "دست‌بند" [dast'band] که از یک آیمب یا پایه آیمبی تشکیل شده است. در واج‌شناسی وزنی، اصطلاح آیمب برای اشاره به پایه راست‌هسته به کار می‌رود. آیمب در مقابل تروکی قرار می‌گیرد. (← برتری در پایه؛ راست‌هسته)